

ششمین جشنواره کتاب دفاع مقدس به کار خود پایان داد

هفته گذشته مراسم اختتامیه این جشنواره با حضور رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در حالی برگزار شد که برگزیدگان، در کتاب دفاع مقدس، در بخش شعر، داستان، خاطره، پژوهش و هنر معرفی شدند و هدایا و لوح های تقدیر دریافت کردند.

در بخش شعر، رود روی شیطان از سید قاسم یاحسینی، عملیات آزادسازی سندج و گردنه صلوات آباد از علی صادقی گویا و یاد کاران از کوروش علیایی انتخاب شدند.

حال «به آذین» رو به بهبودی است

کاوه اعتمادزاده؛ پدرم هوشیاری اش را باز یافته است

به آذین روز سه شنبه ۱۵ بهمن ماه طی یک حمله مغزی در شرایط کوما قرار گرفت و در بیمارستان آریاد بستری شد. طی تماسی تلفنی با کاوه اعتمادزاده فرزند ایشان چویای احوال آقای به آذین شدیم. کاوه اعتمادزاده در این خصوص گفت: «حوشیاری پدرم از این واقعه به سلامت گذر کرد و هم اینک در منزل دوران نقاهت خود را تحت نظر پزشک می گذراند و این در حالی است که ضعف شدیدی بر او مستولی شده اما خوشبختانه هوشیاری خود را باز یافته است.

کاوه اعتمادزاده در پاسخ پرسش ما درباره فعالیت های ادبی و قلمی آقای به آذین پیش از حمله مغزی گفت: «پدرم سالهای اخیر همچنان با علاقه و جدیت وافر به نوشتن و مطالعه ادامه داده و حتی هنگام حمله مغزی در حال مطالعه بوده اند. ایشان در سالهای اخیر هزار گامی اشعاری سروده اند و در زمینه قصه نویسی نیز فعال بوده اما در ارائه آنها اعتماد نکرده اند.

محمود اعتمادزاده (م.ا. به آذین) متولد ۱۳۲۳ در کارنامه نویسنده خود چند مجموعه داستان کوتاه، دو رمان، یک نمایشنامه و کتابی درباره خاطرات زندان ستم شاهی دارد. اما عمده شهرت به آذین مربوط به ترجمه های اوست که خدمت بزرگی است برای شناساندن آثار مهم مشهور جهان به خوانندگان ایرانی. ژانر کریستف اثر رومن رولان، «پاپاگوریو» و «چشم مسافری» اثر اوتوره دیپالزاکا، «ذن آرام» اثر شوخولوف و «آتلو» اثر شکسپیر از جمله ترجمه های اوست.



نگاهی به مجموعه داستان زن فرودگاه فرانکفورت اثر منیر روانی پور

کارت پستال هائی که می روند و می آیند!

محمود معتقدی

زن فرودگاه فرانکفورت در کارنامه منیر روانی پور یک چشم انداز دیگری است که رگه های واقعیت در آن، به شدت آسیب پذیر به نظر می رسد، چرا که در فضاهای این مجموعه، افت و خیزهایی از لحاظ ژانر و موضوعیت داستانی به چشم می خورد. که پیش از همه مشابهی است که نویسنده را به واگویی بخشی از خاطراتش در سفر به آلمان، واداشته است. روانی پور در واقع نمائی «هر آنچه را که دیده، اغلب دچار طرح نوعی غربت زدگی بیرونی شده، که گاه تا حد یک همدردی با پناه جوین ایرانی، فضای داستان را به پیش می راند. حکایت این مجموعه، یاد آوری کاپوس هائی است که محوریت آن با زن است. که گویی در همه جای این سرزمین و آن سوی آنها، همچنان بار ملامت و اندوه زن بودن را بر دوش می کشد. موقعیت حادثه های داستانی در مجموعه «زن فرودگاه فرانکفورت» بر محور واقعیت های روزمره بنا گردیده است، البته منهای دو داستانی که در فضاهای سیال و جادویی می گذرند. در اغلب این فضاها، هوشمندی های پنهانی جریان دارد که نویسنده (راوی) به گونه ای خاص، با روانشناسی آدهای اطرافش، همدردی فراوانی را به نمایش می گذارد، که در این برخوردها، اساس قضیه، بر بنیاد روایتی خطی و بیرونی، گذاشته شده است.

گفت و گو با مه کامه رحیم زاده

نویسنده داستان های کوتاه و رمان یلدا و رهایی

نقله آغاز چه زمانی بود؟ از ۱۲ سالگی من نوشتم، اما اولین بار که متوجه شدم کارم قابل چاپ کردن است، سال ۶۷ بود که داستانی برای روزنامه اطلاعات فرستادم و آن را به چاپ رساندند. سال ۶۸ که کارگاه داستان نویسی آقای سیروس طاهباز واقع در کانون پرورش راه پیدا کردم و به مدت یک سال روزهای یکشنبه از کلاس ها استفاده می کردم. آشنایی تان با کلاس های آقای گلشیری چگونه اتفاق افتاد؟ به طور اتفاقی با کلاسی کسری آشنا شدم. شرط حضور در کلاس تأیید داستانی بود که به آقای گلشیری می دادیم. از آن زمان ۶۹ تا زمان حیات ایشان کلاسها را خیلی جدی دنبال کردم. پس از مرگ ایشان وقفه ای در کلاسها پیش آمد ولی دوباره ما کلاس ها را از سر گرفتیم. آقای گلشیری به ما یاد دادند که تحت هر شرایطی جلسات خود را دنبال کنیم. جلسات آقای گلشیری چه تأثیری بر نوشته های شما داشت؟ مطمئناً تأثیر این کلاس ها خیلی زیاد بود. من استعداد نوشتن داشتم ولی چیزهای زیادی را از آنجا یاد گرفتم. به نظر من برای کسب هر هنری باید دو عنصر اصلی وجود داشته باشد؛ استعداد و دانش. نویسنده کی هم از این قانون مبری نیست. زبان گلشیری تکنیک و فن و دانش بود. تمام کسانی که شاگرد او بودند، بعد ها همه یک گلشیری کوچک شدند چرا که از فن و زبان او تأثیر زیادی گرفتند. او دوست داشت که هر کس مستقل کار کند و تقلید نکند. من متأسفانه یا خوشبختانه نتوانستم مقلد باشم و همیشه استقلال خودم را حفظ کردم. او می گفت: گفته های من وحی منزل

اغلب خود را در فضاهای آلمان و بگو مگوی سیاسی و اجتماعی گروهی از خانه رانده شده می بیند، دل به دانستگی های سپارد و تلخی ها را دوباره مرور می کند. آن هم در فضاهایی شکست خورده، که دنیای روایت، همچنان انسان بیم زده را رها نمی کند. و قصه پریشانی ها، از زندگی ها می گوید، از زن، از مرد، از فروپاشی خانه ها و خانواده ها، که بوی فقر، بوی پشیمانی، بوی فرار، بوی عشق های کهنه شده، بوی وطن و از همه آنچه که روح را می آزارد می گوید، و این یادآوری ها، خود محملی است برای دستمایه کار نویسنده که در پی بهانه هائی، دنیای آدمها را در موقعیت قصه به تصویر می کشد. نویسنده در داستان «در غربت» از فضاهای تابو بسته ای حرف می زند، که هر فصل آن تکان دهنده و پراز کسالت های انسانی است. در این چشم انداز، همه چیز بوی مرگ، بوی ناتوانی، بوی فرار از واقعیت، بوی بی پناهی، بوی زن بودن می دهند، از غروسی تا عزا تا مرگ، تا کشتن مرد به دست زن، تا پیدا شدن جسد زن و راه رفتن مورچه ها بر پوست مرده زن، به نظر می رسد، دنیای آشوب زده ای از چنگال واقعیت، به تصویر کشیده شده است.

زن پرنده فروش باسید پرنده های خشک شده، از کنار می گذرد، بازویم را می گیرد و می برد. غروب از راه می رسد و در انتهای بزرگ ترین خیابان شهر، در خاکستری بزرگی باز است. مردی که انگار یک شب پیر شده، با موهای سراسر سفید و چشم های سرخ و متورم کنار در ایستاده است. دستهایش را به هم می مالد. (ص ۱۴۰-۱۴۱)

گفتنی است که مجموعه داستان «زن فرودگاه فرانکفورت» با ساختاری گزارشی-قصه ای، دارای فضاهای یکدست و هم نشینی نیست، چرا که بعضی از داستانها که در فضای غربت می گذرند، دارای عناصری از غربت و درگیری آدمهای پناه جو به دور از خانه پدری است. نویسنده در این فضا از توفیقی نسبی برخوردار است. اما در داستان هایی که در اینجا می گذرد، بخصوص در فضاهای سیال و جادویی، به لحاظ زبان و فضاهای درونی موفق تر به نظر می رسد. در این مجموعه، روانی پور خواسته تگاهی تازه داشته باشد، به واقعیت های پیرامون خود که گاه با موقعیت روزمره اجتماعی و سیاسی هم همراه است. حدیث نفس غربت و نشان دادن بن بست آدمها، پیام تهنایی این مجموعه است. روانی پور، گذری دارد، به کارت پستال هایی که می روند و می آیند و انسان در محور این فضاها ایستاده است.

فرصت کمی برای نوشتن داشتم. چهار بار هم آن را با دو وسیله پیش از نوشتن رمان، خبرگیر موضوع آن شده بودم. هر کس داستان را خواند گفت داستان واقعی بوده است. در صورتی که کاملاً تخیلی است. یکی از علتها این است که حس واقعی بودن را به خوانندگان منتقل می کند. اسامی مکانهاست که به دقت آنها را انتخاب کرده ام. به طوری که خواننده حس می کند می تواند خانه یلدا را پیدا کند. من سعی کرده ام زادگاه خود را به خوبی به تصویر بکشم. به جرات می توانم بگویم که یکی از نقاط قوت کارها من شخصیت پردازی خوب است. هر سه منتقدی که رایج به رمان نوشته اند، این مطلب را بیان کرده اند. شخصیت ها خیلی زنده هستند گویی در اصل وجود دارند. چرا که دور از ذهن و لمس نشدنی نیستند. و یک رمان موفق چه خاصیتی باید داشته باشد؟ از نظر کیفی رمانی که فرم جذابی داشته باشد چرا که سوزنه ها از شمار انگشتان دست بیشتر نیستند. فرم نگارش مهم است. علت موفقیت گلشیری این است که بیشتر فرمالیست و تکنیکی بود. گفت گو از فرزانه عالمی

معرفی کتاب

مارینا تسوه تایوا

(شاعری برگزیده قرن بیستم)

ترجمه فریبه حسن زاده
فریبه حسن زاده
در باره ترجمه این اثر چنین می نویسد: «تسوه تایوا از شاعران معدودی است که نمی توان اشعار او را به پشت میز تحریر ترجمه کرد. انتقال احساسات و عواطف او تنها پشت پرده ای از اشک امکان پذیر بود»

مارینا تسوه تایوا یکی از شاعران قرن بیستم روسیه است که عمده شهرت خود را پس از مرگ به دست آورد. زندگی تلخ و پر از ماجرا و مصیبت، از او شاعری ساخته که شعرش با تجزیات شخصی باش کمترین فاصله ممکن را دارد. او در سال ۱۹۲۱ اشعار را خلق آوز می کند. گریته اشعار تسوه تایوا به صورت متن در زبان انگلیسی، فارسی به چاپ رسیده است. انتشارات نسیم دانش ۲۵ صفحه ۱۲۵۰ تومان

واژه های معاف

بعد از دو مجموعه شعر «نیش اتفاق» (۱۳۷۶) و «شکل سکوت» (۱۳۷۹) واژه های معاف سومین مجموعه شعر ایرج صدف شکن می باشد. این مجموعه ۱۳۴ شعر را دربر می گیرد. صدف شکن این کتاب را به پیشگاه احمد شاملو تقدیم کرده است. یکی از اشعار این کتاب را می خوانیم:

دل کند
مغفقت تو بود
ستام
شهادت دهم به جان کندم.
هم از آن روز
آسمان شاهد نیست
که هیچ شناسنامه ای
تعلق راه را
بر من گواهی نمی دهد
مگر با تو بمانم
پی تو بچرم

۲۸۶ صفحه ۱۵۰ تومان موسسه انتشارات نگاه

پنجره در باد

مهناز آذرلیا، شاعر نقاش با نقاش شاعر دفتر شعر پنجره در باد را با این شعر آغاز می کند:

از آینه گفتی
آنسوی سادگی
همپای کیست؟
که خواستن را
در جستجوی بچرخانم
وقتی به کمال می رسی
معنای یگانگی، در یاد گم می شود
این را مرغان مهاجر نیز می دانند
همیشه می شود ایثار کرد
اما اگر رویاها
در گردگرد این زمین
لفظه تقدیر ستاره ها دلتراز است.
در این مجموعه هشتاد و هفت اثر از مهناز آذرلیا به چاپ رسیده است.
۱۵۲ صفحه نشر روشنگران و مطالعات زنان ۸۰ تومان

لیتوگرافی و چاپ: چاپ و نشر تهران
نشانی الکترونیکی نشریه:
Parvin magazine @ hotmail.com



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: معصومه بیات
شورای سردبیری: معصومه بیات، حمید نعمت اله
حروف چینی: سیمین فرهادی
امور فنی و هنری: مجتبی اسکندر
همکاران این شماره: اسدالله امرایی، حامد اخوت-احمد پوری-سعید خاموش-علی علایی-اعظم بیات-امیلی امرایی-مهروش رایجیان
اصلی-ندا شیدوش-مهرداد کارخانی-مهسا ملک مرزبان-اکرم جوانمرد و هادی مقدم دوست
۸۹۵۰۴۷۶
۳۲۷۷۹۹

